اتفاق

۱۰ دلیل برای دیدن قاتل اهلی

● آثار مسعود کیمیایی بی‌تردید طرفداران و مخالفان خود را دارند. هرکدام نیز دلایلی خاص و بی‌تغییر دارند. این دو گروه هیچ‌گاه به آشتی نرسیده‌اند. اما می‌توان ۱۰ دلیل برای دیدن قاتل اهلی برشمرد:

۱- تهیه‌کننده اعلام کرده بود درصورت نپذیرفتن حکمیت ازسوی کیمیایی، شکایت خود را به قوه قضائیه ارائه می‌دهد که این اتفاق افتاده است و تکلیف اکران آن فعلا در هاله‌ای از ابهام است.

۲- دیدن فیلم قاتل اهلی اتفاق خوبی برای دوستداران فیلم‌های استاد کیمیایی است؛ آنهایی که علاقه‌مند به فضای مردانگی، غیرت و دوست‌داشتن و البته راستی و فرار از دروغ‌گویی در جهان این کارگردان مؤلف هستند. این‌بار هم تمام این مؤلفه‌ها وجود دارد و البته یکی از عناصر صحنه آن، یعنی کارد تبدیل به میله شده است.

۳- آثار کیمیایی همواره می‌تواند به‌عنوان اثری برگرفته از زمان و بخشی از تاریخ محسوب شود؛ چه هنگامی که فیلم «اعتراض» را می‌سازد و به مسائل دانشجویان دوم‌خردادی اشاره می‌کند، چه اکنون که قاتل اهلی را ساخته و به «پول‌شویی» اشاره دارد.

۴- یکی از ویژگی‌های فیلم‌های استاد کیمیایی، حضور تعداد زیاد ستاره‌ها حتی برای نقش‌های کوچک است. این‌بار اما از این ماجرا گذر کرده و به بازیگر غیرستاره‌ای مانند امیر جدیدی اعتماد کرده است، هرچند نتوانسته در لحظه‌هایی احساسی موفق عمل کند؛ نمونه‌اش لحظه‌ای که در برابر این پرسش دختر قرار می‌گیرد که مرا دوست داری یا وقتی که به پای حاجی می‌افتد تا او را ببخشد.

۵- در این فیلم مسعود کیمیایی به فضای عمومی رفته و از حضور مردم و سیاهی‌لشکر در فضاهای عمومی، مانند سالن کنسرت برج آزادی سود برده است و لحظه فوق‌العاده عروسی در گاراژ را خلق کرده است.

۶- تفاوت کارگردانی کیمیایی و حاتمی‌کیا در بازی‌گرفتن از پرویز پرستویی را می‌توان در این فیلم دید. پرستویی در این فیلم صداسازی می‌کند و هرگاه عصبانی می‌شود صدایش عوض می‌شود. پایان او به‌عنوان قهرمان مانند فیلم بادیگارد کشته‌شدن است، اما در بادیگارد با وجود تیرخوردن در آغوش خانواده می‌میرد، اما در فیلم قاتل اهلی در خیابان ترور می‌شود در تنهایی و با صداهای عجیبی که درمی‌آورد.

۷- فیلم، یک پرویز پورحسینی متفاوت دارد؛ کسی که می‌تواند هنگامی که می‌خواهد او را نشان دهد و علاوه بر عبایی که دارد و میز کوچک خواندن قرآن، نقاشی مصدق بر دیوار خانه‌اش است.

۸- این‌بار هم قرار است آدم‌ها به هم اعتماد نکنند و قضاوت‌هایشان درباره هم اشتباه باشد تا قهرمان فیلم تنها بماند. این را می‌توان در اطرافیان «جلال سروش» دید که با وجود کمک دوستان صادق و ناصادقش باز هم به انتها رسید.

۹- درنهایت این‌بار هم یک دختر رنجیده، آسیب‌دیده و در آستانه ازهم‌پاشیدن وجود دارد که پگاه آهنگرانی سعی کرده است آن را با خوردن ناخن، قرص آرامبخش و گریه‌کردن و بستری‌شدن در بیمارستان به نمایش بگذارد.

۱۰- مسعود کیمیایی پیش‌تر بارها اعلام کرده روشنفکر نیست و فقط انسان است، با اینکه گفته است گاهی فیلم می‌سازد و سینما همه زندگی‌اش نیست، این‌بار در حاشیه‌های به‌وجودآمده برای فیلم هم آن را نشان داد؛ اینکه برایش پسرش و حرمت فیلم‌سازی‌اش از همه مسائل دنیا مهم‌تر هستند، این را نشان داد حتی به قیمت ساخته‌نشدن فیلم. چرا این‌طور نباشد وقتی که بزرگان موسیقی نظیر ناظری تا همیشه همراه فرزندان خود هستند؟

نمایی از فیلم «رگ خواب» /عکس: امیرحسین شجاعی

جشنواره‌ای با مختصات جامعه ایرانی

سمیه توحیدلو
جامعه‌شناس

جشنواره فیلم فجر برای اغلب کسانی که به فرهنگ علاقه‌مندند، جذاب است و آن را دنبال می‌کنند. دنبال‌کردن آن هم شباهتی به دنبال‌کردن هنری‌ها و فیلم‌دوستان ندارد. جشنواره جذاب است چون ویترینی می‌شود از یکی از محصولات فرهنگی که ما ایرانیان بیشتر عادت کرده‌ایم از آن استفاده کنیم. سبک استفاده و شیوه مصرفمان هم متفاوت است. اما واقع اینجاست چه در سینما، چه پای تلویزیون آنها را می‌بینیم، سینما و بازیگرانش جریان دارند و ما اخبارشان را دنبال می‌کنیم. شاید سینما به دلایل تکنیکی امکان ارتباطش با مخاطب سهل‌تر باشد نسبت به تئاتر، موسیقی و کنسرت، انواع نمایشگاه‌ها و هنرهای تجسمی و حتی کتاب. یعنی در سرانه مصرف خانوارهای ایرانی فیلم زیادتر گنجانده می‌شود. اما این فیلم‌ها می‌توانند محدود به سریال‌ها و فیلم‌هایی باشند که رسانه ملی در اختیار همگان قرار می‌دهد یا از طریق توزیع در شبکه فیلم‌های خانگی به دست مخاطب می‌رسد. لزوما فیلم با سینما پیوند نمی‌خورد و همین است که مصرفش را بالاتر و فراگیرتر کرده و در اختیار همه طبقات اجتماعی و اقتصادی قرار داده است. این هنر هفتم آن‌قدر به لحاظ تکنیکی راه به خانوارها باز کرده که بتواند بر صدر بنشیند و بیشترین میزان مصرف فرهنگی را از آن خود کند؛ چندوچونش دیگر می‌شود موضوع دوم.

نکته دوم سلبریتی‌ها هستند؛ افراد سرشناس و محبوب، ستاره‌ها. چه در این سرزمین و چه هرکجای دنیا ستاره‌ها در معنای عام یا ورزشی می‌شوند یا سینمایی. دیده‌شدن و به تصویر درآمدن همیشه موضوعیت داشته و در محبوب‌شدن و ستاره‌شدن هم مؤثر است. جشنواره فیلم فجر محل تجمیع بخشی از این ستاره‌هاست و کلی حاشیه جذاب دارد. حاشیه‌هایی که خوراک شبکه‌های اجتماعی‌مان می‌شود و مهم نیست فیلم ببینیم یا نه. تصویر است که کار خودش را می‌کند. عکس‌های جذاب، روابط پیچیده و انواع بگومگوهایی که خوراک می‌دهند و اتفاقا در جشنواره بیش از همیشه به آتششان دمیده می‌شود.

قرار نیست منتقد سینمایی باشی یا تحلیلگر قهار سبک‌های هنری، از هر جنسی که باشی، سینما سینماست. جشنواره هم برای خودش پرحاشیه است و مهم. شاید سابقه جشنواره از خودش مهم‌تر باشد. آن روزها که همه کارگردانان و اهالی هنر به اجبار باید آثارشان را برای اکران از تونل جشنواره می‌گذراندند، برای ما دنبال‌کنندگان فیلم‌ها جشنواره می‌شد جایی پرطمطراق از نام‌های بزرگ. چیزی که باعث شده این سال‌ها به‌خاطر اختیاری‌شدن حضور در جشنواره، آن را با غایبان بزرگش بشناسند. در ذات قهرمان‌دوست و قهرمان‌شناس مردمان، همیشه نام‌های بزرگ جذاب‌ترند و ماندگارتر. اینجاست که در سال‌های اخیر جشنواره‌ها همیشه به نداشته‌هایشان شناخته می‌شوند. مقایسه مهم‌ترین کاری است که در آثار هنری به‌کرات انجام می‌شود. آدم‌ها با هم، آثار با هم، جشنواره‌ها با هم، هر فرد و آثارش با گذشته‌اش و همین‌طور مقایسه‌ها ادامه پیدا می‌کند و تحلیل و نقدها جریان می‌یابد. پس طبیعی است آدمی که حلاجی جامعه علاقه و کارش باشد، جشنواره و سینما هم می‌تواند برای حلاجی جامعه‌اش به کار آید. حتی شیوه گفت‌وگو، نقدها و تحلیل‌های موجود هم جذابیت پیدا می‌کند. با این نگاه جشنواره امسال نکاتی دارد که مورد توجه نویسنده غیرهنری این متن قرار گرفته است:

در هیئت انتخاب امسال رد پای جامعه‌شناسان و تحلیلگران اجتماعی به وضوح بیشتر است. از صدوچند فیلم نیامده و سی‌وخرده‌ای فیلم راه‌یافته این واقعیت را می‌توان یافت. در مجموعه فیلم‌ها خبری از عشق و شورهای آتشین و بگومگوهای جوانی نیست. در فیلم‌های راه‌یافته قصه تکراری عشق خیابانی و ازدواج، خیانت و نمونه‌های فیلمفارسی و هرآنچه به طور معمول در گیشه می‌دیدیم، وجود ندارد. آن هم در سینمایی که در تاریخچه آن اغلبِ داستان‌های گیشه‌پسند همین‌هاست. پس یا تا حدودی این فیلم‌ها مهار شده‌اند یا به واقع فیلم‌های ایرانی به سمت قصه‌گویی و روایت مسائل اجتماعی پیچیده‌تر و زیرپوستی‌تر پیش رفته است. شناخت مشکلات و تبدیل‌کردن آنها به مسائلی برای مطالعه و بررسی از مشکلات علمی و پژوهشی ما بوده و هست. طبیعی است در جامعه‌ای که در بین جویندگان علمش مسئله‌شناسی و مسئله‌یابی کاری سخت و نیازموده است، تعداد فیلم‌نامه‌نویسانی که مسئله‌یابی می‌کنند هم زیاد نباشد. اما همان‌طور که این روزها با وجود همه صداها و مشکلات علم و پایان‌نامه، می‌توان تک‌رساله‌هایی جذاب، دقیق و پر از نکات ارزشمند پیدا کرد، در بین فیلم‌نامه‌ها هم می‌شود صدای مسائل اجتماعی را شنید.

جامعه ایرانی یک نسل پرتعداد بعد از انقلاب دارد. نسلی که در این ۳۸ سال پس از انقلاب متولد شده و در فضای پرورشی این دوران زیسته‌اند. نسلی که به دلیل کثرت و با وجود ویژگی‌های علمی و تحصیلی بسیار دیرتر از زمان مرسوم به فضای کاری کشور وارد شده یا حتی به دلیل مشکلات موجود وارد نشده‌اند. با وجود گذرکردن از ۳۰سالگی و برخلاف نسل پیشین خود هنوز به عرصه‌های مدیریتی راه پیدا نکرده‌اند. نسل حاضر هرجا برای اثبات حضور نیازمند کنارزدن مستقیم نیروهایی از نسل پیشین بوده، با مشکل مواجه شده است. اما به واقع هرجا که عرصه رقابت آزاد بوده، بارقه‌ها و توانمندی‌های نسل حاضر دیده شده است. علم و هنر دو کانون مهم درخشیدن نسل جوان است. در واقع هر چقدر در مشاغل دیگر ممانعت در برابر چرخش نسلی با وجود شعارهای متعدد وجود دارد و سیاست و مدیریت، اوضاع خوبی در این زمینه ندارند، در حوزه هنر هوای تازه دمیده اما هنوز باور نشده است. سوژه‌های دیروز سینمای ایران امروز سوژه‌یابی می‌کنند. وقتی تعداد فیلم‌اولی‌های جشنواره‌های اخیر زیاد می‌شود و اتفاقا فیلم‌هایی با کارگردانانی جوان مورد توجه قرار می‌گیرند، وقتی در بسیاری از زمینه‌ها پیش‌کسوتان از رقابت با جوان‌ترها باز می‌مانند، این یعنی باید منتظر اتفاق‌های خوب بود. باید باورشان کرد. هرچند احترام و تجربه‌آموزی از پیش‌کسوتان یک اصل است، اما باید یاد بگیریم در سینمای ایران فیلم‌ها را دیگر نباید به‌خاطر نام‌ها دید چراکه امکان ازدست‌دادن حرف‌های خوب و مفید از دست می‌رود.

زنان و جوانان هر دو جزء جمعیت محذوف هستند که بودنشان را با تحصیلات و تلاش در حضور اجتماعی نشان داده‌اند. در واقع زنان نیز همین اوضاع را دارند. حضور پرشمار زنان و دختران در دانشگاه‌ها و مدارج بالای علمی و خیزش آرام آنها برای فعالیت‌های مؤثر اجتماعی، از آنان در ابتدا مخاطبان فعال و پرسشگر فرهنگ و هنر و از طرفی به شرط توانمندسازی از آنها مؤلفانی خلاق ساخته است. مؤلفانی که حضور دارند و پرتعدادند. در جشنواره امسال زنان کارگردان و دست‌اندرکار تهیه فیلم پرشمار بودند. سوژه‌های اجتماعی و مسائل طرح‌شده نیز با حضور پررنگ زنان معنادار بود. آن‌قدر که جشنواره امسال به نوعی زنانه‌تر از جشنواره‌های دیگر بود. هرچند در باور ایدئولوژیک پشت انتخاب فیلم‌ها به‌گونه‌ای حذف باورهای مستقیم زنانه یا نگاه‌های تقابلی وجود داشت و این اعلام و اعمال هم شد، اما آنچه از زیر دستان همین جماعت لغزید و به جشنواره راه یافت، پر است از صدای زنان. صدایی که به راحتی قابل حذف‌شدن نیست.

هرچند پیش‌کسوتان سینمایی در این دوره کم‌تعداد بودند، اما مخاطبان و اهالی جشنواره‌ای سینما نیز به خاطر نام‌ها فیلم ندیدند یا به‌خاطر نام‌ها فیلم را نادیده نگرفتند. مدت‌هاست که در بسیاری از زمان‌ها نام‌های مورد احترام به کمک فیلم‌های متوسط و ضعیف می‌آمدند و ضعف‌های آنها را می‌پوشاندند. ویژگی مخاطبان جدید و فیلم‌های جدید این است که راحت‌تر نقد می‌شوند و به درستی و به‌خاطر ماهیت و محتوای فیلم مورد پذیرش واقع می‌شوند. هرچند نام‌ها قابل احترام‌اند و بزرگ اما مخاطبان نیز به این باور رسیده‌اند که هیچ همبستگی بین نام و حتی تجربه سازنده فیلم با کیفیت فیلم وجود ندارد و همیشه اسم‌های جدیدی هستند که شگفتی‌آفرینند.

تغییر نسل و جنسیت در فیلم‌ها در کنار تغییر ذائقه و نوع نگاه مسئله‌محور زمینه‌ای ایجاد کرده تا برخی منتقدان سینمای ایران را در این روزها به تلخی و سیاه‌نمایی متهم کنند. اشاره به مشکلات جامعه ایرانی بزرگ‌نمایی تلقی شود و واقعی نباشد. چندسالی است که صدای متفاوت را با این صفات طرد کرده یا برای شنیده‌نشدنش از هر تلاشی دریغ نمی‌شود. واقع اینجاست که هنوز با نگاه مسئله‌محور آشنا نیستیم. از فلسفه وجودی چنین فیلم‌ها و محتویات ساخته‌شده در هر رشته‌ای چندان آگاه نیستیم. جامعه‌ای که هنور فرهنگ نقادی در آن با مشکلاتی روبه‌روست، به‌راحتی روایت صادقانه از مسئله را نمی‌پذیرد. در یک فضای کلان‌نگر و تعمیم‌ده بازروایت بخش کوچکی از جامعه را تصویر کلی جامعه می‌دانند و آن را سیاه‌نمایی می‌بینند. اینکه فقر، محرومیت، خشونت، خیانت، بی‌اخلاقی و... به تصویر کشیده می‌شود، معنایش مسئله‌بودن این موضوعات است که اتفاقا نرخ وقوع و گزارششان در پژوهش‌ها اغلب به‌شدت صعودی است. معنایش فراگیری مطلق این مسائل نیست، معنایش وجود این مشکلات است حتی در مقیاس کوچک. دیده‌شدنشان به حذف و ترمیمشان کمک می‌کند. واقع اینجاست که اهالی فرهنگ و متولیان آن نمی‌توانند مسائل اجتماعی را به بهانه سیاه‌نمایی نادیده بگیرند. هدایت درست، تلاش در جهت اخلاقی‌شدن بیشتر و دیده‌شدن همه وجوه جامعه از یک سو و از طرفی ایجاد برایند غیرتلخ از مجموع دستاوردهای فرهنگی و هنری است. صدایی که در مجموع شنیده می‌شود باید صدایی واقعی باشد. صدایی واقعی است که مخاطب ملی را نگاه می‌دارد. صدای واقعی است که دستاورد اصلاح فرهنگ رفتاری جامعه ایرانی را می‌تواند با خود داشته باشد. واژگان کلیشه‌ای و حذف‌کننده تنها عاملی برای حذف صداها و عدم امکان شنیده‌شدن مسائلی است که برای مرتفع‌شدن آنها باید از زیر پوست شهر بیرون کشیده شوند.

فارغ از اینکه حواشی این جشنواره چه بود، فیلم‌ها چگونه بودند، چه کسانی آمده بودند، چه کردند و... کلیت جشنواره امسال و این سال‌ها حتی با صداهای محذوفی که شنیده نشد، صدای جامعه ایرانی است و مشخصه‌های ایرانی و نسلی را کامل دارد. اگر در جامعه هنوز زنان و جوانان نتوانسته‌اند جایگاه‌های کلیدی و تأثیرگذار را از آن خود کنند، این دو قشر در فرهنگ و هنر فرسنگ‌ها راه رفته‌اند و سرمایه بودنشان بر همگان مکشوف شده است. تا باد چنین بادا.

نکته

حق دیدن نما و مناظر زیبا

محسن هاشمی
کارشناس فرهنگی

● وقتی از شهرهای مرطوب و خوش‌آب‌وهوای ساحلی شمال ایران گذر می‌کنم، این چند نکته به چشمم هویدا می‌شود:

● وجود مجسمه‌های زن در جای‌جای خطه گیلان، برای نگارنده که اندک تجربه و سوادی در عرصه هنرهای تجسمی دارد، وجود مجسمه‌های زن در جای‌جای شهرهای استان گیلان وجدآور و بهجت‌زاست. این موضوع نشان از حضور مؤثر و بلاحذف زن در نقش‌های اجتماعی زندگی انسانی در این خطه سرزمین‌مان دارد.

● عشق و ارادت به امام هشتم شیعیان، وجود بزرگراه امام‌رضا(علیه‌السلام) در همه شهرهای شمالی، از دیگر نکات جذاب این خطه است. در این شهرها همگی مسیرهای منتهی به مشهدالرضا را به نام بزرگراه امام‌رضا(علیه‌السلام) نام‌گذاری کرده‌اند. سوگمندانه این بزرگراه‌ها بدون پیش‌بینی و تعبیه پل‌های عابر معینی در طول مسیر موجب انفکاک دو بخش شهر یا منطقه شده و طبیعتا حضور مستمر عابر پیاده برای گذر و بروز حوادث و سوانح جاده‌ای را سبب می‌شود.

● آستانه‌های شهری نازیبا، ورودی شهرهای خطه شمال با نصب سازه‌های زشت بدوی آن‌هم در حریم اختصاصی جاده‌ها و نیز سازه‌ها و تابلوهای تبلیغاتی نازیبا و نامناسب جلوه مخرب و مغشوشی به این خطه زیبا از ایران داده است. وقت آن است شهرداری‌ها (در حریم شهرها) و فرمانداری‌های (مناطق خارج از حوزه شهرها) این استان‌ها بر حق شهروندان در داشتن نما و منظر زیبا و عاری از آلودگی، بر این سازه‌های بدوی، زشت و موجد آلودگی بصری، نظارت کرده موضوع را با تدوین شیوه‌نامه‌ای مدیریت کنند.

پیشنهاد

● دکتر نجل‌رحیم ازجمله پایه‌گذاران سلسله‌سمینارهای عصب‌پژوهی در ایران است. این سمینارها از سال ۷۴ در ایران با عنوان سمینارهای عصب‌پژوهی آغاز شد و تا به امروز ادامه داشته است.

از آنجا که اهمیت بررسی کارکرد اجتماعی مغز در عصب‌پژوهی مدرن به‌طور روزافزون در حال افزایش است، نام این سمینارها به عصب‌پژوهی اجتماعی تغییر پیدا کرد. به‌همین‌دلیل در سال‌های اخیر تمرکز سخنرانی‌ها بر بُعد اجتماعی کارکرد مغز بوده است. این سخنرانی‌ها از سوی متخصصان حوزه‌های مختلف علوم اعصاب و به صورت بینارشته‌ای هر ماه یک‌بار در بیمارستان شهدای تجریش برای عموم برگزار می‌شده و اکنون در بیمارستان ایرانمهر برگزار می‌شود.

در دویست و هفتاد و پنجمین سمینار عصب‌پژوهی اجتماعی قرار است مناظره‌ای با موضوع «شک دکارتی، خطای دکارتی» با حضور دکتر شاپور اعتماد و دکتر عبدالرحمن نجل‌رحیم در تاریخ پنجشنبه ۲۸ بهمن‌ماه سال ۹۵ ساعت ۸:۳۰ تا ۱۱:۳۰صبح برگزار شود.

جدول ۲۷۶۳ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- نوعی جرم قضائی- خوش‌آوازه- ظاهر ساختمان ۲- پرورش کرم ابریشم- وسیله توزین ۳- بنا- همسایه برزیل و گویان ۴- دارای نوک بسیار باریک- برای بیان لزوم گفته می‌شود- هنگام مصیبت گفته می‌شود ۵- نوعی حلوا- قلیل- کوره نان‌پزی- نشانه اختصاری «قیاس کنید» ۶- آموزشگاه هنری- عنوانی نظامی- رشد ۷- خورشید بی‌غروب کربلا- وسط ۸- کیسه پول قدیمی- میخ در گویش عرب‌ها- قابل خواندن ۹- خانه- کتاب انسان‌ساز ۱۰- شهری در یونان- شور هزار- قاره کریستف‌کلمب ۱۱- آخرین یک‌رقمی- اتاق قطار مسافربری- آبزی عظیم‌الجثه- اشاره به دور ۱۲- از ارتفاعات استان کرمانشاه- شهرستانی در استان قزوین- انبرک جراحی ۱۳- هیولای سینمای ژاپن- گاو شخم‌زن ۱۴- عمل شمردن- آشکار گشتن ۱۵- سنگ سبز قیمتی- شیوه برنامه‌ریزی یک تیم ورزشی برای مسابقه- از امراض فصل سرما.

عمودی:

۱- انبار کشتی- ظاهرا اولین بار برای موش اختراع شد!- سمینار ۲- مایعی که برای مصرف خارجی روی پوست به کار می‌رود- بیشترین حد- رنگ موی فوری ۳- شروع- مشاور- افسار ۴- سیم حاوی جریان برق- کامل‌کردن- روکش پلاستیکی یا نایلونی ۵- شهری در استان خراسان جنوبی- شهری در لرستان ۶- چوب خوشبو- اسب سیاه- ساز عاشیق‌های آذربایجان ۷- پرنده‌ای کوچک با پرهای گرانبها- زن زیبای بهشتی- گاو یالدار تبت ۸- داخل‌شدن- مبحث- انس ۹- بسیار درخشان- تاربافتن عنکبوت- گیاهی ۱۰- کشوری در جنوب شرقی شبه‌جزیره بالکان- نوعی کاغذ نامرغوب- صدمه ۱۱- پشت سر هم- از ماشین‌آلات کشاورزی ۱۲- شهری در استان کرمان- ریزترین رگ‌خونی- کوچک ۱۳- شهره آفاق- پایتخت کشور نیجر- طبیب ۱۴ - ترش و شیرین- سوره سی و یکم قرآن- دومین کشور پهناور ۱۵- از باشگاه‌های فوتبال اسپانیا- الفت- خسیس پس نمی‌دهد.

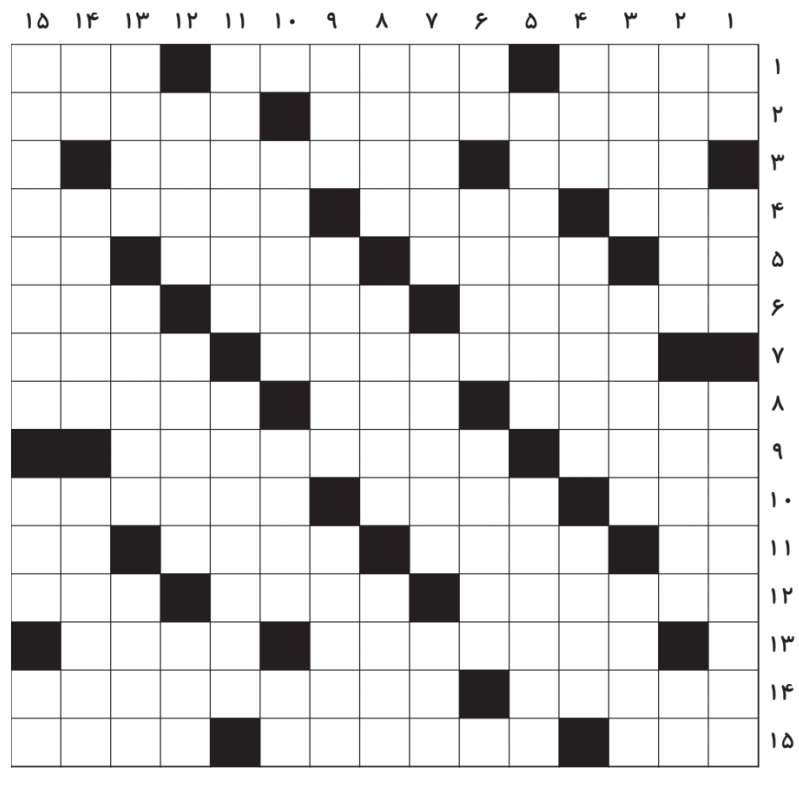

حل سودوکو سخت

۳	۹	۵	۷	۱	۴	۸	۲	۶
۸	۴	۲	۵	۹	۶	۳	۱	۷
۷	۶	۱	۳	۲	۸	۵	۹	۴
۶	۷	۴	۹	۸	۵	۱	۳	۲
۲	۵	۳	۴	۶	۱	۹	۷	۸
۱	۸	۹	۲	۷	۳	۶	۴	۵
۹	۱	۶	۸	۴	۲	۷	۵	۳
۴	۳	۸	۱	۵	۷	۲	۶	۹
۵	۲	۷	۶	۳	۹	۴	۸	۱

حل سودوکو ۱۷۵۸

۴	۵	۶	۸	۷	۱	۲	۹	۳
۲	۷	۳	۹	۵	۴	۶	۱	۸
۹	۸	۱	۶	۳	۲	۴	۷	۵
۳	۶	۲	۷	۴	۵	۱	۸	۹
۵	۱	۸	۳	۶	۹	۷	۴	۲
۷	۹	۴	۲	۱	۸	۵	۳	۶
۸	۴	۷	۵	۹	۶	۳	۲	۱
۱	۲	۵	۴	۸	۳	۹	۶	۷
۶	۳	۹	۱	۲	۷	۸	۵	۴

جدول ۲۷۶۲

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
ت	ع	ن	■	ه	ز	و	ی	ر	د	■	ل	ی	ل	ق	۱
ر	ب	ه	ا	ر	■	د	ا	ی	ر	ت	ا	■	و	ی	۲
ق	د	ی	ب	■	ف	و	س	خ	■	ر	ی	ب	ک	ا	۳
ی	ا	■	ر	گ	ی	د	■	ت	م	ا	م	ا	■	ف	۴
■	ل	ب	ی	ر	د	■	ا	ن	ی	ب	■	ر	ا	ه	۵
ک	ل	ق	■	ی	ل	ج	ت	■	ت	ر	ا	ز	و	■	۶
ت	ه	ا	ف	س	■	ل	و	گ	ر	ی	و	■	ا	ه	۷
ل	و	ل	س	■	ن	ا	م	ر	ا	■	ا	ن	ز	ا	۸
ت	ی	■	و	م	ی	ل	ب	ا	■	گ	ن	ر	ب	ش	۹
■	س	و	ق	ا	ن	■	ی	د	ر	ز	■	س	ل	م	۱۰
ا	ی	ا	■	ن	و	ی	ل	■	ا	ن	ا	ی	د	■	۱۱
ی	■	ه	ی	د	ا	ت	■	ه	م	د	خ	■	ر	ا	۱۲
ه	ح	ی	ا	ل	■	ی	ت	ر	ش	■	ر	ا	چ	د	۱۳
ا	ی	■	ن	ا	غ	م	ر	ا	■	ب	ا	ن	ی	م	۱۴
م	ا	م	ه	■	ی	ه	ا	ت	و	ک	■	د	ن	ک	۱۵

سودوکو سخت ۱۷۵۹

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۲	۶				۴	۸	
۵	۳							۱
۹				۱		۳		۷
		۲		۸		۷	۴	
	۸			۴		۹		
۴	۷			۵		۶		
		۳					۹	
۸					۱			۲
		۵						۶

سودوکو ۱۷۵۹

۶		۲	۵	۹		۸		
			۲	۷		۴	۱	
		۵		۸		۲	۹	
			۶	۴		۱		۷
۷	۱			۳			۲	
	۵	۹		۱	۲		۶	
			۹		۷		۳	
		۱		۶		۷	۸	
	۳	۷		۵			۴	

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.